

فوتبال؛ تئاتر رویاها
یا نبرد گلا دیاتورها

زهیر موسوی

روزنامه‌نگار

«چیه این فوتبال همه بدنم داره می‌لرزه». حتماً شما هم این جمله طلایی عادل فردوسی‌پور در شب کامبیک رویایی بارسلونا مقابل پاری سن ژرمن را به یاد دارید. شبی رویایی برای هواداران کاتالان و البته عاشقان فوتبال که پرواز ققنوس وار امید در نیوکمپ را تماشا کردند اما این هیجان‌ناک تمام ماجرای دلدادگی ما و فوتبال نیست. این ورزش خشن که بعضاً صحنه‌های مصدوم‌شدن بازیکنانش از دوربین‌های تلویزیونی قابل پخش نیست، روحی لطیف و حس همدلی را با خود به همراه دارد. نقاط روشنی که این گلا دیاتورهای پایه توپ‌رانیز برای لحظاتی از گرمای مبارزه جدا کرده، وجدان‌شان را بیدار می‌کند و نهیب‌شان می‌زند که همه چیز مسابقه و فوتبال نیست. برای این ادعا شاهد کم نیست، برویم به خردادماه ۱۴۰۰؛ دیدار دانمارک برابر فنلاند در مسابقات یورو ۲۰۲۰. جایی که کریستین اریکسن، کاپیتان تیم ملی دانمارک ناگهان نقش بر زمین شد. وقتی بازیکنان به اریکسن رسیدند، متوجه شرایط بحرانی تیمی خود شدند و در یک قاب ماندگار با تشکیل حلقه انسانی، مانع پخش تصاویر مصدومیت اریکسن شدند. این مصدومیت به قدری شدید و شوکه‌کننده بود که در همان مسابقه وقتی گلا دیاتورهای فنلاندی به گل رسیدند، از انجام خوشحالی امتناع کردند. از دیگر موارد می‌توان به توهین‌های نژادی در فوتبال اروپا اشاره کرد. جایی که بالوتلی، اتو حتی وینسیوس جونیور از گزند نژادپرستان‌ها در امان نبودند اما سسکوهای هواداری و حتی هواداران رقیب هم در اعتراض به این اقدامات با بازیکنان مورد اهانت قرار گرفته، همدلی کردند. حال شاید بگویید این اتفاقات مخصوص چشم‌آبی‌های اروپایی باشد و این صحبت‌ها چه ارتباطی به فوتبال پر حاشیه و کم‌کیفیت ایران دارد؟ اشتباه نکنید. همین فوتبال پر حاشیه و کم‌کیفیت روزهای به‌بادماندنی کم نداشته است. از روزهایی که مسلم حق شناس در روزی که سوگوار فقدان مادرش بود، در درون دروازه دامادش ایستاد و سکوها شعر حماسی «مسلم حق شناس باغیرتی تو» را همخوانی کردند تا روزهایی که آبی‌های تیغفوسی جایگاه با فرمزهای تیغفوسی ۲۶، دوشادوش یکدیگر غم‌همدیگر را خوردند و همدلی کردند. برویم به اولین دربی پس از مرحوم‌شدن هادی نوروزی؛ جایی که دقیقه ۲۴، سرخ‌ها نام هادی نوروزی را فریاد می‌زدند و سمت آبی استادیوم آزادی، فریاد «روحش شاد» را سر می‌دادند. صحنه آنقدر احساسی بود که بازی ثانیه‌هایی متوقف و گزارشگر تلویزیونی نیز بغض کرد یا پس از فوت منصور خان پورحیدری این‌بار نوبت فرم‌ها بود که دوشادوش رقیب دیرینه، در استادیوم سوگواری کنند. اما قصه همدلی فوتبال ایران، به فصلی تازه رسیده است. روزهای گذشته خبری از مصدومیت شدید کوین یامگاری خروجی رسانه‌ها قرار گرفت. خبری که در ساعات اول، کسی زیاد به آن توجه نکرد اما هر چه جزئیات بیشتری منتشر شد، جامعه هواداری بیشتر شوکه شد. بینایی یامگا دچار مشکل شد. همین تیترا کافی بود تا هواداران، اتفاقات دربی آخر فراموش کنند. انگار نه انگار که همین چندوقت پیش همین کوین یامگا در دقیقه ۹۶، درست وقتی که استقلال از پرسپولیس عقب بود - خونسرد مثل یک قاتل بالفطره، پشت ضربه پناستی ایستاد و مانع پیروزی یحیی و شاگردانش شد. صفحه یامگا مورد هجوم هواداران پرسپولیس قرار گرفت اما این بار نه برای فحاشی، بلکه برای همدلی و قوت قلب؛ جایی که هواداران پرسپولیس ضمن آرزوی سلامتی برای ستاره نیم‌فصل استقلال، آرزوی رویارویی با او در دربی را هم داشتند. این زنجیره مهربانی محدود به سکوها نبود و سروش رفیعی و یحیی گل‌محمدی نیز با انتشار تصویر یامگا، برای او آرزوی سلامتی داشتند. صحنه‌هایی زیبا که روح این فوتبال پر حاشیه و کم‌کیفیت را زنده نگه داشته است.

فوتبال در مستطیل سبز حتماً نبرد گلا دیاتورهاست. تبدیل شدن ورزش به صنعت این اتفاق را برای فوتبال رقم زده است زیرا این فرآیند موجب گسست پول به فوتبال شده و کیست که نداند همه جنگ‌های دنیا بر سر پول است؟ اما خارج از مستطیل سبز و پس از ۹۰ دقیقه، نوبت تئاتر رویاها فرا می‌رسد. جایی که مهم نیست برد دربی را دقیقه ۹۶ به‌کام رقیب دیرینه زهر کردی یا رنگ پوست متفاوتی داری. جایی که می‌روی، نظرات پرسپولیسی‌ها زیر آخرین پست یامگاری خوانی؛ اینجان نقطه‌ای است که زیر لب می‌گویید، چرا عاشق فوتبالیم به روایت تصویر.

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی • مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی • سردبیر: محمد جواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد)، آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)، علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست)، الهه ابراهیمی (خبر)، آرش خاموشی (عکس)، هادی حیدری (طرح و کاریکاتور)، مدیر هنری: مهدی قربانی نیار، حرفه‌بینی و ویراستاری: شهرام هادی • مدیر اداری و آژسی‌ها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آژسی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: هم‌میم • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



سوز و سوگ کوه

گفت‌وگو با نیما ایل بیگی

درباره کوهنوردی در زمستان و مخاطراتش



سپهر خرمی

گزارشگر ورزشی هم‌میم

۴۰ هزار نفر نه برای شادی که برای مراسم خاکسپاری درگذشت تلخ سه جوان که در ارتفاعات رندوله آشنویه مفقود شده بودند، در کوه سلطان یعقوب گرده آمدند تا یاد این سه کوه‌نورد را گرامی بدارند. افرادی که برای تفریح کوه‌نوردی می‌کردند با سقوط بهمن جان‌به‌جان آفرین تسلیم کردند. هر سال شاهد اتفاقاتی از این دست هستیم که در فصل سرما چند کوه‌نورد گرفتار سرما و ریزش بهمن می‌شوند و جان می‌بازند. موضوعی که در سایر نقاط دنیا به نسبت وجود دارد. نیما ایل بیگی، کارشناس مدیریت فرماندهی عملیات در حوزه بلایای طبیعی در گفت‌وگو با «هم‌میم» از الزامات علمی کوه‌نوردی می‌گوید که یک کوه‌نورد باید این نکات را بیاموزد و آگاهی محیطی داشته باشد.

ورزشی پر مخاطره

کوه‌نوردی ورزشی است که باید قبل از صعود به کوه، نکاتی را آموزش دید و رعایت کرد در غیر این صورت ممکن است کوه‌نورد تاوان سختی بدهد. نیما ایل بیگی در این زمینه مثال جالبی می‌زند که ناآگاهی از شرایط تا چه میزان می‌تواند کوه‌نورد را با تحلیل اشتباه روبه‌رو کند: «افرادی که قصد کوه‌پیمایی دارند، باید دوره‌هایی را در فدراسیون بگذرانند و نسبت به هواشناسی کوهستان مطالعه کنند. مثالی بزنم که ملاحظه کنید گاهی تحلیل‌ها بر اساس ندانستن شرایط تا چه میزان اشتباه پیش می‌رود. کوه‌نوردی که آگاهی هواشناسی نداشته باشد وقتی ملاحظه می‌کند که ابر کومولوس نوع یک به ابر کومولوس نوع دو تبدیل می‌شود، تصور می‌کند که ابرها به‌شکلی زیبا در حال تغییر هستند اما در واقعیت اینطور نیست و این یک هشدار ناپایدار شدن هواست که کوه‌نورد باید آن را جدی بگیرد. همچنین در مورد مخاطرات، دو دسته انسان‌ساخت و طبیعی داریم که شرایط جوی همان بحث طبیعی است که بیشتر در موردش صحبت شد. گفتنی است سازمان هواشناسی نیز در صورت مشاهده شرایط نامطلوب جوی، به باشگاه‌های کوه‌نوردی اعلام می‌کند تا کسی برای صعود به کوه اعزام نشود.»

نیما ایل بیگی، مربی بقا و مدرس امداد و نجات در زمینه تیم‌های واکنش سریع در مورد مخاطرات انسان‌ساخت هم چنین توضیح می‌دهد: «برخی افراد مبتدی بعضاً روی نقاب برفی می‌روند که باعث می‌شود، بهمن شکل بگیرد و عامل سقوط افراد شود. به این خاطر که اصولاً اطلاعات صحیحی از نقاب برفی وجود ندارد.» ایل بیگی همچنین در خصوص توجه کوه‌نوردها نسبت به اخبار هواشناسی نیز گفت: «کوه‌نورد باید به علائم هواشناسی نیز توجه کند و آن را جدی بگیرد. بارها پیش آمده که اخبار اطلاع داده، شرایط جوی نامناسب است اما کوه‌نورد گفته، بانوجه‌ای اینکه تصمیم به صعود گرفتیم، مسیر ادامه بدهیم.»

تکرار یک اتفاق تلخ

جمعه هفته گذشته پنج کوه‌نورد در ارتفاعات کوه «رندوله» آشنویه در بهمن گرفتار و مفقود شدند که تیم‌های جست‌وجو توانستند ۲ نفر از آنان را همان روز پیدا کنند و روز چهارشنبه نیز یک سوه کوه‌نورد دیگر هم پیدا شد که سه کوه‌نورد پیدا شده متأسفانه فوت شدند. منطقه کوهستانی «رندوله» و «بابوله» در پنج کیلومتری غرب شهر آشنویه و نزدیکی مرز ایران با اقلیم کردستان عراق واقع شده است. درگذشت کوه‌نوردها به دلیل سقوط بهمن یا مخاطرات پیش‌بینی نشده، مربوط به دیرروز و امروز نیست. اتفاقی است که در همه جای دنیا بارها تکرار شده اما در ایران با توجه به رعایت نکردن برخی نکات علمی و البته ناآگاهی نسبت به مسائل هواشناسی گاهی

تعداد حوادث از میانگین استاندارد بیشتر می‌شود. هر چند بسیاری از این اتفاقات برای کوه‌نوردهایی رخ داد که به‌صورت حرفه‌ای این ورزش را دنبال می‌کردند و با یک بدشانسی تلخ، زندگی‌شان به پایان رسید. به‌طور مثال در تاریخ ۱۷ آذرماه ۱۳۹۶ تعدادی از کوه‌نوردان در اشتراک کوه در برف و کولاک کوهستان گرفتار شدند. مرگ هشت نفر از اعضای این تیم کوه‌نوردی ۱۴ نفر، تأیید شد که اسیر سقوط بهمن شدند. «جلال رابوکی»، دیگر کوه‌نوردی بود که به دلیل صعود پیاپی و البته ماهرانه به قله دماوند، به اوج شهرت رسیده بود اما در فروردین‌ماه سال ۱۳۸۱ هنگام صعود به قله دماوند، در شرایط بسیار نامناسب آب‌وهوایی جان سپرد و بعد از شش ماه جسد او را در دره «یخار» پیدا کردند. محمد اوراز، شاید مشهورترین کوه‌نورد ۳۰ ساله اخیر باشد که حتی بعد از درگذشتش هم از افتخارات او صحبت می‌شد. «اوراز» سال ۱۳۷۷ تاریخ زندگی خود را تغییر داد. او در آن سال به‌همراه سه نفر از اعضای تیم ملی کوه‌نوردی ایران توانست به قله اورست یعنی بلندترین قله جهان - صعود کند. با ثبت چنین رکوردی، او به‌عنوان اولین صعودکننده تیم ملی ایران به قله اورست شناخته شد؛ اما در کمال بدشانسی در سال ۱۳۸۲، هنگام صعود به قله «گاشر بروم ۱» در پاکستان، محمد اوراز به‌همراه «مقبل هنرپژوه» اثر بر بهمن، سقوط می‌کند. مقبل هنرپژوه سالم ماند؛ ولی محمد اوراز پس از انتقال به بیمارستان شفا در اسلام‌آباد پاکستان درگذشت.

مسائلی که باید رعایت شود

بسیاری تصور می‌کنند کوه‌نوردی صرفاً همراه بردن یک کوله‌پشتی با کفش مناسب و لباس گرم است اما در واقع چنین نیست. اگر بسیاری از مسائل هواشناسی و علمی رعایت نشود، می‌تواند این ورزش جذاب منجر به مرگ ورزشکار شود. نیما ایل بیگی، کارشناس مدیریت فرماندهی عملیات در حوزه بلایای طبیعی در این باره می‌گوید: «در بحث کوه‌نوردی، باد، طوبوت و سرما سه عاملی است که می‌تواند منجر به فوت کوه‌نورد شود. وقتی لباس گورتکس دچار یخ‌زدگی شود قابلیت تنفس را از کوه‌نورد می‌گیرد و به‌همین دلیل عرق از بدن خارج نمی‌شود و بدن از طریق اینطور نیست و این یک هشدار ناپایدار شدن می‌تواند عامل مرگ کوه‌نورد شود. به‌همین دلیل است که همیشه تا کیم می‌شود تیم کوه‌نورد برای صعود به قله‌ها حداقل ۵ نفر باشند که یکدیگر را همراهی کنند. موضوع دیگری که کوه‌نوردها باید توجه کنند بحث حیوانات، انگل‌ها و حشرات است که می‌تواند آسیب‌زنند. بارها با غذای سبزی اشتباه به خرس‌ها، باعث شده‌اند این حیوانات درنده به انسان حمله کنند و گرنه در حالت نرمال حیوانات به انسان حمله نمی‌کنند. بحث ارتفاع‌زدگی هم مطرح است که بسیار مهم است. به‌طور مثال بدن کسی که در بندرعباس زندگی می‌کند نسبت به ارتفاع کوه، با کسی که در تبریز یا رستان زندگی می‌کند، واکنش‌های متفاوتی نشان می‌دهد. بحث دیگر مخاطرات، بحث یخ‌زدن زمین است. در فصل سرد، شبنم‌ها می‌زنند که احتمال زمین‌خوردن فرد را بالا می‌برد.»

جایگزین وجود ندارد؟

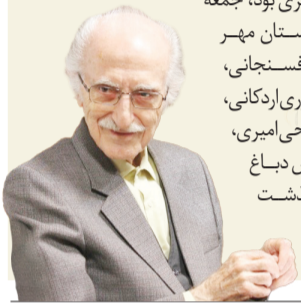
به باور عموم این تفکر وجود دارد که کوه‌نوردها چرا در فصل سرما که می‌تواند جان آن‌ها را به خطر بیندازد، ورزش آلترناتیو انتخاب نمی‌کنند؟ چرا چنین خطراتی را به جان می‌خورند تا به قله‌ای صعود کنند؟ ایل بیگی در این زمینه می‌گوید، کوه‌نوردی یک عشق است که اتفاقاً اگر نکات ایمنی را رعایت کنند، بدون هیچ مشکلی می‌توانند در فصل سرما هر قله‌ای را فتح کنند. نکته‌ای که باید عرض کنم این است که در سال ۲۰۰۲ قانون و مرامنامه‌ای به اسم تیرول تأیید و تصویب شد. با این توضیح که کسانی که در کوه قدم می‌گذارند، باید نسبت به علم روز هواشناسی و امداد رسانی، آگاهی کامل داشته باشند. به این خاطر که در هر منطقه‌ای، هلیکوپتر توانایی امداد رسانی ندارد و هر فرد باید یاد گرفته باشد که چگونه با بحران مواجه شود و از پس آن بر بیاید.

اگر کوه‌نوردها شرایط آب و هوایی را در کنار تجهیزات کاملی که فراهم می‌کنند و علمی که به‌مورد یاد می‌گیرند را جدی بگیرند، قطعاً تلفاتی از این دست در فصل سرما، هنگام کوه‌نوردی را به حداقل می‌رسانند.

چهره

مترجم و زبان‌شناسی با کارنامه پُربرگ و بار

ابوالحسن نجفی؛ زبان‌شناس و مترجم برجسته ایرانی متولد ۷ تیرماه ۱۳۰۸، هشت‌سال پیش در چنین روزی، در ۸۶ سالگی درگذشت. او عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود و عمده فعالیت‌های ادبی و علمی‌اش در حوزه ترجمه متون ادبی، ویرایش، زبان‌شناسی و وزن شعر فارسی قرار داشت. «فرهنگ فارسی عامیانه»، «غلط‌نویسیم» و ترجمه فارسی «خانواده تیبو»، از مشهورترین کارهای نجفی بود. ابوالحسن نجفی از بزرگان عرصه ترجمه، زبان‌شناسی، فرهنگ‌نویسی، وزن شعر فارسی، ادبیات تطبیقی و زبان و ادبیات فارسی در روزگار ما و یکی از تأثیرگذارترین افراد نسل خود در شناسایی و تربیت نویسندگان و پژوهشگران بود که کارنامه پُربرگ‌و‌باری داشت. او که در شهرپور و مهرماه ۱۳۹۴ به علت کسالت مدتی در بیمارستان بستری بود، جمعه دوم بهمن‌ماه ۱۳۹۴ در بیمارستان مهر تهران درگذشت. اکبر هاشمی‌رفسنجانی، حسین جابری انصاری، رضا داوری اردکانی، سیدعباس صالحی، رضا صالحی امیری، غلامعلی حدادعادل و سروش دبایغ از جمله کسانی بودند که درگذشت نجفی را تسلیت گفتند.



کتابخانه

کاوشی درباره‌وسواس‌ها و گره‌های روانی انسان

رمان «مزاج بی‌پایان»، نوشته دیوید فاستر والاس، با ترجمه معین فرخی در ۱۵۱۲ صفحه، با قیمت یک میلیون و صد هزار تومان و تیراژ ۱۰۰۰ نسخه توسط نشر برج منتشر شده است. سال ۱۹۶۶ پیش از انتشار «مزاج بی‌پایان» جامعه ادبی آمریکا، مهیای انتشار رمانی ست‌رگ بود؛ زمانی که جابه‌جایی که نویسنده آن خودش هم فکر نمی‌کرد کسی آن را بخواند، اما خوانند. با وجود پیچیدگی‌های نثر غنی آن، نوآوری‌های بی‌شمار والاس و شخصیت‌های متعدد، در عرض یک‌سال بیش از ۴۰۰ هزار نسخه از آن فروش رفت. سال ۲۰۰۵ به فهرست ۱۰۰ کتاب برتر انگلیسی‌زبان مجله تایم



مزاج بی‌پایان

نویسنده:

دیوید فاستر والاس

مترجم: معین فرخی

انتشارات: برج

از سال ۱۹۲۳ تا آن زمان، راه پیدا کرد و والاس شناسی شاخه‌ای جدی در تحقیقات دانشگاهی شد. «مزاج بی‌پایان» کاوشی همه‌جانبه درباره لذت‌ها، وسواس‌ها و گره‌های روانی انسان، در آستانه قرن بیست‌ویکم است. اثری که بر رسانه‌های «هملت»، «برادران کارامازوف» و «اولیس» می‌ایستد، از سنت ادبی آمریکا بهره می‌گیرد و چنان بلند پرواز می‌کند که سایه‌اش مثل اسلاف‌اش تا نسل‌ها بر خوانندگان و نویسندگان می‌ماند.

تاریخ

تاسیس اولین بانک خصوصی ایران



«بانک بازرگانی ایران» به‌عنوان اولین بانک خصوصی در ایران به‌صورت شرکت سهامی در ۲ بهمن‌ماه ۱۳۲۸ تأسیس شد و در سال ۱۳۲۹ فعالیت‌های بانکی خود را آغاز کرد. این بانک ۱۸ نفر کارمند داشت، نخستین بانک خصوصی با مالکیت کامل ایرانی بود و در محل پیشین شعبه بازار بانک شاهی، واقع در خیابان بوذرجمهری تهران، روبه‌روی مسجد سلطانی افتتاح شد. بانک در سال

۱۳۳۱، محل بانک شاهی را به مبلغ ۳٫۵ میلیون تومان خریداری کرد. رقبای این بانک، بانک‌های دولتی مانند بانک‌های ملی، سپه، کشاورزی، رهنی، کارگشایی و صنعتی بودند. از جمله ابتکارهای این بانک، افتتاح حساب سیار بود. دارندگان این حساب با دفترچه‌ای می‌توانستند از موجودی خود در تمام شهرستان‌هایی که بانک در آنجا شعبه داشته است، برداشت کنند. بر موجودی این حساب‌ها سود قابل ملاحظه‌ای تعلق می‌گرفت و سالانه دوپار نیز در ماه‌های مهر و بهمن، قرعه‌کشی برگزار و برندگان جوایزی پرداخت می‌شد. سرمایه پرداختی «بانک بازرگانی ایران» در پایان اسفندماه ۱۳۲۹ به مبلغ ۲۵ میلیون تومان می‌رسید. این بانک پس از اجرای ماده ۱۷ لایحه قانونی ادغام بانک‌ها در سال ۱۳۵۸ در بانک تجارت ادغام شد.